

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و چهارم

پیوندهای امت اسلامی

به طور خلاصه آنی که در دنباله باب بحث ولایت لازم است عرض شود این است که یک جامعه اسلامی و یک جمعیتی که به عنوان امت اسلامی تشکیل شده‌اند؛ اگر بخواهند برسند به آن ولایت قرآنی، آن ولایتی که در قرآن مطرح شده، امت اسلام بخواهد آن را برای خودش تامین کند، دو جهت را باید مراعات کند، یک جهت، جهت ارتباطات داخلی است، در داخل جامعه اسلامی، یک جهت، جهت ارتباطات خارجی است. یعنی رابطه عالم اسلام و امت اسلام و جامعه اسلامی با جوامع دیگر.

در زمینه ارتباطات داخلی امت اسلام آن وقتی دارای ولایت به معنای قرآنی است که کمال همبستگی و اتصال و ارتباط و اتحاد صفوف و فشردگی هرچه بیشتر آحاد و جناح‌های گوناگون را در خودش تامین کند. هیچ گونه تفرق و اختلافی در سرتاسر امت عظیم اسلامی نباشد. در زمینه روابط خارجی امت اسلامی باید سعی کند روابط خود را جوری تنظیم کند با دنیای غیرمسلمان و غیر این امت که یک ذره تحت فرمان آن‌ها قرار نگیرد. یک ذره تحت تأثیر افکار آن‌ها قرار نگیرد. یک مختصر سیاست مستقلش تحت تأثیر سیاست‌های آن‌ها از استقلال نیافتد. هم‌جبهه‌گی و پیوستگی ملت مسلمان با آن‌ها به کلی ممنوع است. در صورتی که این پیوستگی موجب شود که امت مسلمان تحت تأثیر قرار بگیرد.

حالا توجه داشته باشید این که می‌گوییم با دولت‌های غیرمسلمان و با امم غیرمسلمان رابطه‌ها قطع است؛ نه به این معنا است که عالم اسلام و امت اسلامی در انزوای سیاسی به سر خواهد برد؛ نه! مسئله، مسئله انزوای سیاسی نیست که خیال کنید که عالم اسلام نه با هیچ کس رابطه بازرگانی دارد، نه رابطه سیاسی دارد، نه روابط دیپلماسی دارد، نه سفیر می‌فرستد، و نه سفیر می‌گیرد؛ نه! این‌جور نیست! روابط معمولی دارد؛ ولایت با آن‌ها ندارد.

پیوستگی با آن‌ها ندارد. پیوند جوهری و ماهوی با آن‌ها ندارد. اینجوری نخواهد بود که اگر آن‌ها خواستند بتوانند عالم اسلام را تحت تأثیر خودشان قرار دهند.

پس ولایت قرآنی دو رویه دارد؛ یک رویه این که در داخل جامعه اسلامی همه عناصر بایستی به سوی یک هدف، به سوی یک جهت، با یک راه، با یک گام قدم بردارند. در خارج از جامعه اسلامی، امت اسلامی بایستی با همه بلوچ ملوچ‌ها و جناح‌های ضد اسلامی، پیوندهای خود را بگسلد. اینجا یک نکته دقیقی وجود دارد که می‌رساند ولایت به این معنا را که در قرآن آمده و همان معنای ولایتی که ما شیعه قائلیم.

اگر بخواهد یک جامعه‌ای و یک امتی که ولایت قرآنی را به این معنا داشته باشد یعنی بخواهد تمام نیروهای داخلی‌اش در یک جهت، به سوی یک هدف، در یک خط، به راه بیافتد و بخواهد تمام نیروهای داخلی‌اش علیه قدرت‌های ضد اسلامی در خارج بسیج بشود؛ احتیاج دارد - اگر بخواهد آن‌ها را داشته باشد - احتیاج دارد به یک نقطه قدرت متمرکز در متن جامعه اسلامی. به یک نقطه‌ای احتیاج دارد که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه بپیوندند، همه از آنجا الهام بگیرند و همه از او حرف بشنوند و حرف گوش کنند. و او تمام جوانب مصالح و مفاسد را بداند تا بتواند مثل یک دیدبان نیرومند قوی دستی و قوی چشمی هرکسی را در جبهه جنگ به کار مخصوص خودش بگمارد. لازم است یک رهبری، یک فرماندهی، یک قدرت متمرکزی در جامعه اسلامی وجود داشته باشد که این قدرت بداند که از شما چی بر می‌آید؟ از من چی بر می‌آید؟ از انسان‌های دیگر چه بر می‌آید تا به هر کسی آن کاری را که برای او لازم است بگوید بکن.

البته شرایطی هم دارد؛ باید خیلی آگاه باشد. باید خیلی بداند. باید خیلی با تصمیم باشد. باید چشمش دارای یک دید دیگری باشد. بایستی از هیچ چیزی در راه خدا نهراسد. بایستی وقتی لازم شد خودش را هم فدا کند. ما اسم این چنین موجودی را می‌گذاریم چی؟ امام! امام یعنی آن حاکم و پیشوایی که از طرف پروردگار در جامعه معین می‌شود. این که می‌گوییم از طرف خدا یعنی چه؟ یعنی یا خداوند به نام و نشان معین می‌کند مثل این که امیرالمومنین را، امام حسن را، امام حسین را و بقیه ائمه را معین کرد. خود پیغمبر هم یک

امام است. خود پیغمبر هم یک امام است.. « اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا » به ابراهیم می گوید خداوند متعال. من تو را امام قرار دادم. امام یعنی آن پیشوا و حاکم و رهبر در یک جامعه. یک وقت این امام را خداوند با نام و نشان در جامعه معرفی می کند. می گوید بعد از پیغمبر باید علی بن ابیطالب علیه السلام مثلاً باشد. یک وقت امام را خداوند متعال به نام معین نمی کند؛ به نشان معین می کند مثل چی؟ مثل فرمایش امام علیه السلام « وَ اَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَيَّ هَوَاهُ مُطِيعًا لِاَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ اَنْ يُقَلَّدَهُ » امام معین کرده است دیگر این هم امام است. آن فقیهی که جانشین امام منصوص هست خود امامی است منتها امامی است که با نام معین نشده با نشان معین شده است. هرکسی که این نشان بر او تطبیق کرد، او می شود امام.

پس اصل ولایت قرآنی ایجاب کرد چی را؟ وجود امام را. بعد دیگر ولایت یعنی چه؟ یعنی ارتباط مستحکم و نیرومند هر یک از احاد امت اسلام در همه حال با آن قلب امت. ارتباط چی؟ ارتباط فکری و ارتباط عملی. یعنی درست از او سرمشق گرفتن، یعنی درست در افکار و بینشها دنبال او بودن و درست در افعال و رفتار و فعالیتها و حرکتها او را پیروی کردن.

پایان

تهیه شده در طرح تبیین منظومه فکری رهبری